Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 12, No. 3, Autumn 2022, 133-155
DOI: 10.21859/priw-120306

Consequences of the vacuum in the presence of the United States of America in West Asia on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia: a pattern of constructive cooperation or destructive competition

Hossein Gharibi[1], Jalal Dehghani-firozabadi[2], Ahmad Naghibzadeh[3], Keyhan Barzegar[4]

Date received: 2022/04/14 **Date of acceptance**:2022/07/31

Abstract

The change in the strategic priorities of the United States and the change in the geopolitical direction of Washington towards the Asia-Pacific with the aim of containing China, has caused a decrease in the importance and, as a result, a decrease in the presence of the United States in the Middle East and North Africa region. This transformation has prepared the space for the Role-Playing of other great powers, including Russia and China, and after that, it has influenced the regional politics of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia as two competing regional powers. In response to these new conditions, Riyadh has adopted a strategy of diversifying its security partners (and at the same time, trying to obtain security guarantees from the United States), and in

1. Doctoral student of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. hossein.gharibi@gmail.com

2. deghani@atu.ac.ir

3. Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. sarvireza1968@gmail.com

4. Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran
k-barzegar@srbiau.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA..

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

this regard, even an option such as normalizing Saudi relations with the Zionist regime has placed on the table. On the other hand, Iran, whose regional policy has always been defined around the axis of resistance to the foreign presence (especially the United States) in the region, now faces a strategic contradiction, because this time, Russia and China are Iran's allieswho seek to increase their influence in the Middle East region.In such an environment, the factor of the simultaneous desire of the United States of America, China, and other extra-regional powers in the region to create a balance between Tehran and Riyadh, and at the same time, the factor of the desire of both sides (Iran and Saudi(to manage another threat, while avoiding not to accept each other's dominant role, are the factors that can lead to optimism regarding the formation of controlled competition between Iran and Saudi Arabia

Keywords: Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, United States of America, Cooperation, Competition, Regional Power.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۵۵-۱۳۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۳۰۶

پیامدهای خلأ حضور ایالات متّحده آمریکا در غرب آسیا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: الگوی همکاری سازنده یا رقابت‌مخرب

حسین غریبی[۱]
سید جلال دهقانی فیروزآبادی[۲]
احمد نقیب زاده[۳]
کیهان برزگر[٤]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

تغییر در اولویت های راهبردی ایالات متّحده و تغییر جهت ژئوپلتیک واشنگتن به سمت منطقه هند-آرام با هدف مهار چین، سبب کاهش اهمیت و به تبع آن، کاهش حضور ایالات متّحده در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شده است. این تحوّل، فضا را برای نقش آفرینی دیگر قدرت های بزرگ از جمله روسیه و چین، مهیّا کرده و به دنبال آن، سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه ای رقیب را تحت تأثیر قرار داده است. در واکنش به این شرایط جدید، ریاض راهبرد تنوّع بخشی به شرکای امنیتی‌اش (و همزمان تلاش برای اخذ تضمین های امنیتی از ایالات متّحده) را در پیش گرفته است و در این راستا، حتّی گزینه ای چون عادی سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی نیز، بیش از پیش قوّت می‌گیرد. در سوی دیگر امّا ایران، که سیاست منطقه ای اش همواره حول محور مقاومت با حضور خارجی (مشخصاً ایالات متّحده) در منطقه، تعریف شده است، اکنون با یک تناقض راهبردی مواجه شده است، چرا که این بار این روسیه و چین متّحد ایران هستند که به دنبال افزایش نفوذ در منطقه خاورمیانه هستند.

در چنین فضایی، عامل تمایل همزمان ایالات متّحده آمریکا، چین و دیگر قدرت های فرامنطقه ای فعال در منطقه به ایجاد توازن میان تهران و ریاض و همزمان، عامل تمایل دو طرف به مدیریت تهدید دیگری، در عین پرهیز از نپذیرفتن نقش مسلّط یکدیگر، دو عاملی هستند که میتوانند منجر به افزایش خوش بینی ها در رابطه با شکل گیری رقابت کنترل شده میان ایران و عربستان شوند

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ایالات متّحده، رقابت، همکاری، قدرت منطقه ای.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hossein.gharibi@gmail.com

۲. استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) dehghani@atu.ac.ir

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sarvireza1968@gmail.com

٤. دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. k-barzegar@srbiau.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

مقدمه

تغییر در اولویت‌های ژئوپلتیک ایالات متّحده و تمرکز فزایندهٔ واشنگتن بر مهار پکن، به عنوان اولویت نخست سیاست خارجی دولت‌های ایالات متّحده (حداقل از زمان اوباما تا به امروز)، سبب کاهش حضور ایالات متّحده در مناطقی چون خاورمیانه و شمال آفریقا شده است. این تحوّل و این کاهش درگیری ایالات متحده با منطقه امّا، سیاست خارجی قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و عربستان را تحت تأثیر قرار داده است. در یک سو، عربستان سعودی که همواره برای تأمین امنیت اش به ایالات متحده تکیه داشته است، اکنون به جستجوی راه های جایگزین و همچنین، شرکای دیگری چون چین و روسیه است و در سوی دیگر، ایران که سیاست منطقه ای اش همواره بر اصل مخالفت با حضور نیروهای خارجی (مشخصاً نیروهای ایالات متحده) در منطقه استوار بوده است، اکنون به دنبال بازطراحی سیاست منطقه‌ای‌اش است.

این تغییر در سیاست منطقه ای ایران و عربستان سعودی و البته تغییر در موازنه قدرت میان قدرت های بزرگ در منطقه (قدرت های اروپایی، ایالات متحده، چین و روسیه)، نوع و شدت رقابت میان ایران و عربستان به عنوان دو کنشگر منطقه ای را تحت تأثیر قرار داده است. اینکه این دو کنشگر چه راهبردی را به منظور مدیریت تهدید دیگری، در عین پرهیز از نپذیرفتن نقش مسلّط یکدیگر، اتخاذ می کنند؟ آیا به سمت مدیریت رقابت میان خود و شکل دهی به یک نظم امنیتی منطقه ای میروند یا به سمت تشدید تنش برای تحمیل موقعیت مسلّط منطقه ای شان به دیگری، پرسش هایی هستند که این مقاله در صدد یافتن پاسخ آنها است.

چارچوب نظری

نظریه "موازنه تهدید" استفن والت، استدلال می کند که دولت ها در برابر دولت هایی دست به موازنه می زنند که از ناحیه آنها احساس تهدید می کنند. والت استدلال می کند که میزان این تهدید، تنها به قدرت کشور هدف موازنه بستگی ندارد، بلکه نیات تجاوزکارانه و نزدیکی جغرافیایی آن دولت نیز در ایجاد این درک از تهدید مؤثرند (Walt,1987:1-12). بر این اساس، رابطه میان ایران و عربستان تا مدت ها بر اساس این نظریه قابل تبیین بود و دو طرف، در جهت موازنه تهدید دیگری گام بر می داشتند. کاهش حضور ایالات متّحده در منطقه امّا، درک از تهدید ایران از ناحیه عربستان را کاهش داده و متعاقب آن، سیاست ایران برای تهدید منافع عربستان در منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این البته به معنای پایان

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

رقابت میان ایران و عربستان و کنارگذاشتن تلاش هایشان به منظور تبدیل شدن به هژمون منطقه ای نیست، امّا تفاوت اینجاست که اینبار قدرت های خارجی وارد منطقه شده اند که وجود فضای تهدید آمیز میان ایران و عربستان را به نفع منافع خود نمی دانند. البته کماکان همه بازیگران فرا منطقه ای، تبدیل شدن یکی از دو قدرت ایران و عربستان به هژمون را در جهت منافع خود نمی بینند. در چنین فضایی و در شرایطی که به تعبیر هنری کیسینجر، آنارشی نابالغ بر منطقه حاکم است، موازنه قدرت (Waltz,1979:121)تبیین کننده روابط میان ایران و سعودی است، موازنه ای که کشوری چون چین، مایل و قادر به حفظ آن است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی ردیابی فرایند استفاده شده است. در قالب رویکردی تفسیرگرایانه، ردیابی فرایند این امکان را میدهد تا چگونگی تجلّی و ظهور یک ارتباط با زمینه ای که این ارتباط درون آن شکل گرفته را مشاهده کرده و نه تنها آنچه روی داده، بلکه چگونگی این روی دادن (در اینجا، تحوّل در مناسبات ایران و سعودی) هم بررسی شود. رابطه بین باورها و رفتار کنشگران در مطالعات موردی مهم است، چرا که امکان شناسایی و ارزیابی تجربی اولویت ها، برداشت ها، اهداف و ارزش های کنشگران و تعریف آنها از موقعیتی که با آن روبرو هستند را فراهم می سازد. در این راستا، ردیابی فرایند به پژوهشگر کمک میکند تا خواسته ها، دانسته ها و محاسبات کنشگران در تصمیم گیری (در اینجا در تصمیم به رقابت یا همکاری توسط سیاستمداران ایرانی و سعودی) را کشف و شناسایی کند.

تنوع‌سازی در سیاست‌های امنیتی عربستان سعودی

یکی از مسائلی که در سال‌های گذشته به دفعات، توسط متخصصین روابط بین‌الملل مطرح شده است، مسئله وابستگی عربستان سعودی به آمریکا در مسائل امنیتی و نظامی این کشور است. طبق گزارش وبسایت وزارت خارجه آمریکا(۲۰۲۲)، عربستان سعودی بزرگترین مشتری صنایع نظامی ایالات متحده است که رقم آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در طول تاریخ روابط دو کشور است. ازطریق فروش تجهیزات نظامی، ایالات متحده از سه سازمان کلیدی امنیتی در عربستان سعودی حمایت کرده است: وزارت دفاع، گاردملی و وزارت کشور. ازدهه ۱۹۵۰،مهندسین اعزام‌شده از طرف ارتش آمریکا نیز نقشی حیاتی درساخت زیرساخت‌های نظامی وغیرنظامی درعربستان سعودی ایفاکرده‌اند. تقریباً تمام سلاح‌ها و وسایل نقلیه نظامی عربستان از آمریکا تهیه می‌شود و یا متّحدین آمریکا.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

تأمین امنیت منطقه نفت خیزخلیج فارس از زمان جنگ جهانی دوم یکی ازاولویتهای ایالات متحده بوده است. شرکت‌های آمریکایی مسئول بسیاری ازنفت تولیدشده درمنطقه تادهه ۱۹۷۰ بودند، وحتی زمانیکه عربستان سعودی صنعت نفت خود را در پایان آن دهه ملی کرد،همچنان یکی ازشرکای مهم ایالات متحده درجنگ سرد باقیماند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، متحد اول نظامی آمریکا در منطقه از ایران به عربستان تغییر پیدا کرد. همکاری نظامی ایالات متحده و عربستان درجنگ اول خلیج فارس به اوج خودرسید، زمانیکه در سال ۱۹۹۱ یک ائتلاف به رهبری ایالات متحده، نیروهای عراقی را ازکویت بیرون کرد. بیش ازنیم میلیون سرباز آمریکایی به منطقه سرازیرشدندکه بسیاری ازآنها در عربستان سعودی مستقرشدند. این همکاری در دوران ریاست جمهوری ترامپ به اوج رسید. ترامپ معتقد بود که رابطه نظامی با عربستانسعودی به‌معنای بهبود وضعیت اشتغال در آمریکا است و نزدیک به ۳۵۰ میلیون دلار قرارداد نظامی بست که در دوره هیچ رئیس‌جمهور دیگری چنین سابقه‌ای نداشته است(CFR.org Editors,2018).

ناصر هادیان، استاد دانشگاه تهران در رشته روابط بین‌الملل، در این زمینه در مصاحبه(۱۳۸۶) با سایت دیپلماسی ایرانی می‌گوید: «عربستان،امنیت خودش را برون سپاری کرده است. مشکل برون‌سپاری[1] امنیت این است که همیشه نگران هستیدکه شما را به طرف مقابل به قیمت بالاتربفروشد. اینکه اینقدر با اوباما مخالف بودند،این نگرانی بود. نگران بودندکه نکند اوباما به خاطر برجام آنها رابه قیمت بالاتر بفروشد. علی‌رغم اینکه آنها می‌توانند به سادگی [ایران] راموازنه کنند. پشتوانه یک ابرقدرت تمام قد دارد،منابع مالی بسیارگسترده دارد، سلاحهای بسیار پیشرفته دارد. به راحتی میتواند[ایران]را موازنه کند ولی نمی‌خواهد اینکار را کند. میخواهد این را برون‌سپاری کند. لذا آمدن ترامپ به ریاض و قول و قراردادن یعنی چه؟یعنی این دوره انگار اعتماد به دست آورده که او می- تواند امنیتش رادست آمریکا بسپارد و برایش کارهایی که می‌خواهد باپول انجام دهد.»

بنابراین، می‌توان گفت که سیاست برون‌سپاری امنیتی عربستان سعودی به وابستگی بیش از حد این کشور به آمریکا منجر شده است، تاحدی که درصورت تغییر سیاست آمریکا درقبال عربستان سعودی، ممکن است این کشور قادر به تأمین امنیت خود نباشد. عربستان سعودی در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از انتخاب جو بایدن به ریاست‌جمهوری آمریکا، به دو دلیل عمده نگران این مسئله شده است. اولین و مهم‌ترین دلیل، کم‌رنگ‌شدن حضور آمریکا در منطقه به‌دلیل اهمیت استراتژیک چین و بنابراین توجه

1. outsource

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

بیشتر آمریکا به منطقه هند-آرام است. دلیل دوم، سردتر شدن تدریجی روابط عربستان با روسای جمهور دموکرات مانند اوباما و بایدن است. اگرچه بایدن تاکنون تغییری اساسی در رابطه با این کشور ایجاد نکرده است، ازنظر مقام‌های عربستان سعودی نمی‌توان این احتمال را کاملاً منتفی دانست. به همین دلیل عربستان سعودی از اکنون سیاست تنوع‌سازی تأمین امنیت خود را پیش گرفته است، سیاستی که از مسیرهای مختلفی اجرایی می‌شود.

افزایش خودکفایی

اولین روش عربستان سعودی برای ایجاد تنوع در تأمین امنیت خود، افزایش خودکفایی است. اگرچه در رسانه‌های عمومی، روش‌های دیگر (به‌خصوص بهبود رابطه با روسیه) توجّه بیشتری جلب کرده‌اند، امّا با بررسی منابع پژوهشی می‌توان به این نتیجه رسید که حکومت بیشترین توجه را به این استراتژی کرده است و این قطعه اصلی پازل است.

طبق گزارش وزارت دفاع آمریکا، هزینه‌های دفاعی داخلی عربستان سعودی در دهه گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. براساس برنامه «تنوع اقتصادی چشم‌انداز ۲۰۳۰»، عربستان سعودی قصد دارد تا ۵۰ درصد از تدارکات نظامی خود را تا سال ۲۰۳۰ تحت نظارت دو نهاد نظامی - صنعتی بومی سازی کند: اداره کل صنایع نظامی[1] و صنایع نظامی عربستان سعودی[2].

اداره نخست، که درسال ۲۰۱۷ تأسیس شد، تنظیم کننده، فعال کننده و صادرکننده مجوز بخش صنایع نظامی عربستان سعودی است. این اداره، سیاست‌ها، استراتژی‌ها، و مقررات جدیدی را پیشنهاد می کند که مربوط به صنعت نظامی وبخش‌های مکمّل است. همچنین، عملیات تدارکات نظامی تسلیحات، مهمات، تجهیزات، تدارکات، لباسهای نظامی، قراردادهای نگهداری و عملیات برای تسلیح مقامات امنیتی و نظامی را مدیریت می‌کند. استراتژی بخش ملی صنایع نظامی این اداره از سه ستون تشکیل شده است: خرید تجهیزات نظامی لازم، پیشرفت صنعت نظامی، و گسترش تحقیقات نظامی. این ستونها برای تحقق اولویت‌های استراتژیک نظامی عربستان سعودی هستند که به ترتیب اهمیت از این قرار هستند: (۱)- استقلال استراتژیک و ایجاد صنعت نظامی محلی پایدار، (۲)- آمادگی نظامی، و (۳)- قابلیت همکاری در داخل و بین نهادها، و نهایتاً (۴)- شفافیت و کارایی هزینه‌ها طراحی شده اند.

اداره دوّم، یک شرکت دفاعی دولتی است که در ماه می ۲۰۱۷ توسط صندوق سرمایه‌گذاری عمومی

1. The General Authority for Military Industries (GAMI)
2. Saudi Arabian Military Industries

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

عربستان سعودی برای ارائه محصولات وخدمات نظامی در عربستان سعودی وکاهش اتکای این کشور به خرید خارجی محصولات نظامی راه اندازی شد. این شرکت در حوزه‌های هوانوردی، سیستم‌های زمینی، وسایل نقلیه نظامی، سلاح و موشک، و فناوری الکترونیک دفاعی فعالیت می‌کند. ولید ابوخالد، مدیرعامل این اداره،هدف این شرکت راتبدیل شدن به یکی از ۲۵ شرکت دفاعی برتر تا سال ۲۰۳۰ اعلام کرده است و از مشارکت خارجی و سرمایه گذاری مشترک به عنوان مسیری برای رشد سریع شرکت و صنعت دفاعی محلی عربستان به عنوان روش تحقق این هدف اعلام کرده است. به تعبیر دیگر، این شرکت قصد دارد از طریق مشارکت با دولت‌های خارجی، این صنایع را در درازمدت بومی‌سازی کند(اداره تجارت بین الملل ایالات متّحده، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از نهادهایی که در عربستان سعودی به این امر اختصاص یافته است دانشگاه نظامی ملک عبدالعزیز است. هدف این دانشگاه تربیت نیروی انسانی به منظور خودکفایی بیشتر در آینده است. این دانشگاه تازه‌تأسیس است و در ساختار و برنامه درسی خود از دانشگاه‌های مشابه در غرب (مانند دانشگاه وست پوینت در آمریکا) تقلید می‌کند. این دانشگاه همکاری بسیار نزدیکی با یک اندیشکده آمریکایی به نام مرکز مطالعات استراتژیک خاور نزدیک و دور[1] دارد که در تعیین برنامه درسی و همچنین تأمین اساتید به آن کمک می‌کند(سیکالی[2] ، ۲۰۲۲). عربستان سعودی همواره با کمبود نیروی متخصص نظامی روبرو بوده است تاحدی که در برخی مواقع از تجهیزات خریداری‌شده خود نمی‌توانسته استفاده کند (مثلاً تعداد هواپیما بیش از خلبان) و هدف این دانشگاه و نهادهای آموزشی مشابه، جبران این مشکل است.

افزایش رابطه نظامی با رقبای آمریکا

عربستان سعودی همواره با چین رابطه‌ای نزدیک داشته است و درواقع، چین شریک اصلی تجاری عربستان سعودی بوده است. درواقع، سیاست عربستان سعودی این بوده که نزدیک‌ترین روابط سیاسی و نظامی-امنیتی را با آمریکا داشته باشد و نزدیک‌ترین روابط اقتصادی و تجاری را با چین و در رقابت بین این دو قدرت از انتخاب یک جناح خودداری کند. همچنین عربستان سعودی همواره با روسیه نیز رابطه‌ای گرم داشته است. بنابراین اگرچه این پادشاهی نزدیک‌ترین متحد آمریکا در منطقه بوده اما نمی‌توان گفت که ایجاد رابطه با چین و روسیه برای آن امر جدیدی است، اگرچه این رابطه به‌شکل تاریخی، جنبه نظامی-

1. Near East and South Asia Center for Strategic Studies
2. Saikali

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

امنیتی نداشته است. اما همزمان با افزایش عدم اعتماد و اتکا به آمریکا، عربستان سعودی به این نتیجه رسیده است که رابطه نظامی و امنیتی خود را با رقبای آمریکا، یعنی چین و روسیه افزایش دهد. این امر بدین معنا نیست که چین یا روسیه جای اولین شریک نظامی را از آمریکا سلب خواهند کرد ولی قطعه‌ای مهم از پازل تنوع‌سازی امنیتی عربستان سعودی است و دربرابر آمریکا وابستگی مطلق را کاهش خواهد داد و کمک خواهد کرد که لایه اطمینانی ایجاد شود. آخرین نکته مهمی که باید ذکر شود این است که چین و روسیه در مسائل داخلی عربستان سعودی دخالت نمی‌کنند و به مسئله حقوق بشر اهمیت نمی‌دهند. بنابراین مثلاً نوع فروش سلاح خود به عربستان سعودی را با شرایطی محدودکننده درباره چگونگی استفاده از آن محدود نمی‌کنند.

این مسئله به‌خوبی در یکی از مصاحبه‌های وزیر سابق خارجه این کشور، سعودالفیصل، دیده می‌شود که گفت در اسلام برخلاف مسیحیت چندهمسری مجاز است. معنای این استعاره الفیصل این بود که عربستان سعودی به‌دنبال «طلاق» از ایالات متحده نیست بلکه به‌دنبال «چندهمسری» و «ازدواج همزمان» با روسیه و چین است(میلر[1]، ۲۰۲۲) . این امر در سفر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، به عربستان سعودی مشاهده شده است که در آن روابط بسیار گسترده شده‌اند و تنها به روابط غیرنظامی محدود نمانده‌اند و عربستان سعودی شروع به خرید تجهیزات و فناوری نظامی از چین کرده است و همچنین وعده همکاری نظامی و اطلاعاتی نیز بین دو کشور رد و بدل شده است. تاکنون دو کشور در زمینه تولید پهپاد و موشک قراردادهایی امضا کرده‌اند(شناهان[2] ،۲۰۲۲). بنابراین سفر شی به عربستان سعودی نشانه جدی این امر است که عربستان سعودی برای تأمین منافع امنیتی خود قصد ندارد در جنگ سرد دوم یکی از طرفین را انتخاب کند بلکه قصد دارد به موازنه دو قدرت بپردازد و با هر دو رابطه گرم را حفظ کرده و منافع خود را تأمین نماید.

در مورد روسیه نیز این مسئله در چند جنبه مشاهده شده است. اول مسئله رسیدن به توافق با روسیه در چارچوب اوپک پلاس برای کاهش تولید نفت بود که با توجه به ادامه جنگ در اوکراین و بحران قیمت انرژی و تورم در غرب، بسیار خشم آمریکا را برانگیخت(سین[3]ق ،۲۰۲۲) . البته تفاوت بین روسیه و چین برای عربستان سعودی این است که فعلاً رابطه گرم بین دو کشور در حوزه اقتصاد باقی مانده و تاکنون به رابطه نظامی و امنیتی سرریز نکرده است - اگرچه عربستان سعودی مقداری سلاح شهری برای پلیس

1. Miller
2. SHANAHAN
3. Singh

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

خود خریداری کرده است- اما ممکن است در آینده و به‌خصوص پس از پایان جنگ اوکراین، این اتفاق نیز رخ دهد.

خروج آمریکا از منطقه و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به طور زیربنایی تغییر کرد و جهت‌گیری‌های تازه‌ای پیدا کرد. ایران که در زمان پهلوی متحدی مهم در منطقه خاورمیانه برای کشورهای غربی به طور کلی و ایالات متحده آمریکا به طور خاص بود و به صورت دوفاکتو وجود اسرائیل را نیز به رسمیت شناخته بود، به کشوری بدل شد که یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی آن نوعی امپریالیسم ستیزی و صهیونیسم ستیزی بود که پیکان اصلی حمله آن نیز متوجه آمریکا و اسرائیل بود. در واقع، در همین زمینه بوده است که در دو دهه اخیر، سیاست وادار کردن آمریکا به خارج شدن از منطقه خاورمیانه به یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل شده است.

در این میان، یکی از حوزه‌های سیاست خارجی ایران که شاهد تغییرات مبنایی بود، سیاست منطقه‌ای این کشور در خاورمیانه و در میان همسایگان خود بود. در سال‌های نخست پس از انقلاب، سیاست صدور انقلاب و دست‌کم تلقی وجود چنین سیاستی در شماری از کشورهای عربی خاورمیانه، زمینه‌ای برای افت روابط ایران با بیشتر کشورهای عربی منطقه شد. پس از آن نیز به دنبال حمایت عمده کشورهای عربی خاورمیانه، از جمله عربستان سعودی، از عراق در جنگ هشت‌ساله، ایران روابط پرتنشی را با آنها تجربه کرد. با این حال، با پایان جنگ ایران و عراق، تلاش‌هایی برای بهبود روابط سیاسی ایران و کشورهای منطقه آغاز شد که با فراز و نشیب‌هایی ادامه داشته است. البته باید در نظر داشت که میزان ثبات سیاست خارجی ایران به طور کلی و سیاست این کشور در منطقه خاورمیانه به طور خاص، امری است که بحث‌های تحقیقاتی مختلف و اختلاف‌نظرهای گوناگونی به همراه داشته است(گل محمدی،۲۰۱۹).

از سوی دیگر، آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از خروج بریتانیا از منطقه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به اصلی‌ترین بازیگر خارجی در منطقه خاورمیانه بدل شده بود، در رویکردی جدید که در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما به طور رسمی اعلام شد، به جای خاورمیانه، آسیای شرقی را به عنوان محور اصلی سیاست خارجی خود معرفی کرد. در واقع، پیش از سیاست‌مداران، بسیاری از محافل دانشگاهی و اتاق‌های فکر آمریکا نیز به این نتیجه رسیده بودند که آمریکا در کوتاه‌مدت باید حضور نظامی خود در خاورمیانه را کاهش دهد و در بلندمدت نیز دیگر این

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

منطقه اهمیت راهبردی خود را همچون گذشته برای آمریکا حفظ نخواهد کرد(سوئینی[1]، ۲۰۲۰) در این میان، حتی برخی از خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا از منطقه با توجه به کاهش اهمیت راهبردی آن سخن گفته‌اند(ایندیک[2]، ۲۰۲۰).

وقوع این تحولات با توجه به زمینه تاریخی‌ای که پیش از این ذکر شد، این پرسش را در برخی محافل به میان آورده است که آیا امکان اتخاذ راهبرد جدید در سیاست خارجی آمریکا مبنی بر خروج تدریجی از خاورمیانه تغییراتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به همراه داشته است یا نه. در این ارتباط، نکته‌ای که این مقاله بر آن تأکید دارد از این قرار است که راهبرد خروج آمریکا از خاورمیانه جنبه بلندمدت دارد و همچنان موانع سختی بر سر راه آن وجود دارند که مانع از تحقق گسترده آن در کوتاه‌مدت خواهد شد که از جمله آنها می‌توان به اهمیت اسرائیل برای آمریکا اشاره کرد. همچنین، مواضع دولت جدید آمریکا نیز نشان می‌دهد که آنها چندان متمایل نیستند که خروج آنها فضایی برای گسترش نفوذ ایران، روسیه و یا چین در منطقه ایجاد کند(ان بی سی، ۲۰۲۲). افزون بر این، به نظر نمی‌رسد که تاکنون برنامه مشخصی برای خروج آمریکا از خاورمیانه اتخاذ شده باشد و همچنان حتی در مورد میزان و چگونگی خروج نیروهای نظامی آمریکا از خاورمیانه و این که خروجی نظامی آمریکا به چه میزان با کم‌رنگ‌تر شدن حضور سیاسی آنها در منطقه همراه خواهد شد، توافق و اجماعی حاصل نشده است(سوئینی، ۲۰۲۰).

در همین ارتباط، سیاست خارجی ایران در منطقه نیز تغییری مبنایی و راهبردی به خود ندیده است، هرچند در این میان می‌توان به تلاش‌های بیشتر برای بهبود روابط با کشورهای عربی منطقه، تلاش برای تسریع خروج آمریکا از منطقه، تلاش برای همکاری بیشتر با چین و روسیه در منطقه و یا به رسمیت شناختن دوفاکتوی حکومت طالبان در افغانستان، علی‌رغم تمایلات شدید ضدّ شیعه در آنها، اشاره کرد. بدیهی است که در شرایط فعلی، ایران از هرگونه خروج آمریکا از منطقه استقبال کند و اگر این سیاست با اقداماتی عملی از سوی آمریکایی‌ها همراه شود، به اعتماد به نفس منطقه‌ای ایران بیفزاید. همچنین، نفوذ بیشتر کشورهایی چون چین یا روسیه در منطقه در نتیجه کم‌رنگ‌تر شدن حضور آمریکا نیز با توجه به سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران، چیزی نیست که از نظر این کشور نامطلوب ارزیابی شود.

عربستان سعودی همچون ایرانِ پیش از انقلاب یکی از متحدان اصلی غرب در منطقه خاورمیانه است، هرچند این اتحاد نیز در سالیان اخیر در دوره های حکومت حزب دمکرات در آمریکا با چالش

1. Sweeney
2. Indyk

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

هایی مواجه شده است. به هر صورت، به نظر می رسد که پدیدار شدن سیاست آمریکا برای کم‌رنگ‌تر کردن حضور خود در خاورمیانه در نگاهی بلندمدت، زمینه را برای تقویت رابطه ایران و عربستان سعودی، یا دست‌کم تلاش‌هایی در این راستا، را تقویت کرده است. در این ارتباط، در سال‌های اخیر مذاکراتی بین ایران و عربستان، از جمله با میانجیگری عراق، صورت گرفته است(مأموری، ۲۰۲۲)که با توجه با سطح بالای اختلافات بین دو کشور در مسائل منطقه‌ای، از جمله در یمن و عراق، به راه‌حلی مشخص نرسیده است. در یک تحلیل کلان، شاید هم ایران و هم عربستان در صورت کم‌رنگ‌تر شدن نقش کشورهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه، نقش مهم‌تری ایفا کنند و هرچه بیشتر به این نتیجه برسند که برای ثبات منطقه ضروری است که همکاری بیشتر و بهتری با یکدیگر داشته باشند، اما همان طور که در مورد امکان خروج آمریکا ذکر شد، این امر نیز بیشتر شکل نگاهی بلندمدت به آینده دارد و هنوز به نتیجه ملموس و عینی مشخصی نرسیده است. در همین ارتباط، به نظر می‌رسد که مسئولان ایرانی می‌خواهند از صحبت‌هایی که در مورد خروج آمریکا از منطقه مطرح شده استفاده کنند و هرچه بیشتر کشورهایی چون عربستان را تشویق کنند که در موازنه‌ای جدید به همکاری به ایران بپردازند(واتانکا[1] ،۲۰۲۲) . البته کوشش ایران برای برقراری رابطه بهتر با کشورهای حاشیه خلیج فارس به عربستان محدود نشده است. در این ارتباط از جمله می‌توان به تلاش‌های ایران برای توسعه روابط خود با قطر، یکی از مراکز اصلی حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه، و همچنین امارات متحده عربی اشاره کرد(سلامی،۲۰۲۲).

در مجموع، به هیچ رو نباید در ارتباط با خروج آمریکا از خاورمیانه و یا کم‌اهمیت شدن این منطقه برای آن کشور دچار عجله شد. به بیان دیگر، اگرچه بحث‌هایی جدی در آمریکا در این ارتباط در جریان است، اما هیچ اجماعی در مورد چگونگی و زمان‌بندی آن وجود ندارد و بحث هم بیشتر حول خروج نظامی این کشور در منطقه است و نه رها کردن آن(سوئینی،۲۰۲۰). باید در نظر داشت که در نگاه آمریکایی‌ها، همچنان منافعی مهم در خاورمیانه برای این کشور وجود دارد، «ازجمله حفظ توازن مطلوب قدرت در منطقه، کاهش تهدید سازمان‌های تروریستی علیه خاک و منافع آمریکا، حفاظت از آزادی کشتیرانی و دسترسی به نفت، و جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای». بنابراین، حتی اگر آمریکا حضور نظامی خود را به طور قابل ملاحظه‌ای در خاورمیانه کاهش دهد، الزاماً دنبال کردن منافع خود از راه‌های دیگر، حتی راه‌های نظامی و شبه‌نظامی با اتکا به نیروهایی غیر از ارتش خود، را کنار نخواهد گذاشت.

1. Vatanka

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

جمهوری اسلامی ایران نیز همان طور که بارها به طور رسمی هم اعلام کرده است، از هرگونه خروج آمریکا از خاورمیانه و یا کم‌رنگ شدن نقش آن استقبال می‌کند. با این حال، از آنجا که این خروج هنوز جنبه عملی گسترده‌ای به خود نگرفته است، سیاست منطقه‌ای ایران، از جمله در عراق و لبنان و سوریه، تغییر قابل‌ملاحظه‌ای نداشته است. در این ارتباط، با توجه به آنچه بیان شد و در نگاه به آینده، خروج هرچه بیشتر آمریکا از منطقه می‌تواند برخی امکان‌ها را قوت ببخشد. یکی حضور بیشتر قدرت‌های دیگر بیرون از منطقه همچون چین و روسیه باشد. در این میان حتی ممکن است که نقش برخی کشورهای اروپایی نیز تقویت شود که در مواردی فرانسه(فایت[1]، ۲۰۲۲) نیز چنین تمایلاتی از خود نشان داده است. و دیگر آنکه کشورهای قدرتمند منطقه بکوشند اختلافات خود را با یکدیگر حل کنند، هرچند این نیز تنها یک احتمال است و همچنان احتمال تشدید درگیری‌های منطقه‌ای بعد از خروج آمریکا وجود دارد که ایران باید برای آن گزینه نیز آماده باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

رقابت ایران و عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه در پرتو واقعیات جدید نظام بین‌الملل

در قرن بیست و یکم، واقعیت‌های نظام بین‌الملل در آستانه تغییراتی ژرف هستند. نظامی که پس از پایان جنگ در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی با هژمونی تک‌قطبی آمریکا تعریف می‌شد هم‌اکنون در آستانه ورود به جنگ سردی جدید است، این بار بین ایالات متحده آمریکا و چین. اگرچه در سال‌های اخیر قدرت چین با روندی فزاینده بیشتر شده است اما هنوز چین موفق نشده است که در منطقه خود - منطقه هند-آرام - به هژمونی منطقه‌ای دست یابد. اکنون اولویت اول سیاست خارجی آمریکا پیشگیری از تبدیل چین به یک هژمون منطقه‌ای است، و بنابراین سیاست خارجی آمریکا منطقه هند-آرام را در کانون قرار داده است. دربرابر منطقه هند-آرام، بقیه مناطق جهان همه اولویتی کمتر دارند. این امر باعث می‌شود که رویکرد آمریکا نسبت به منطقه خاورمیانه تغییر کند. همزمان چین نیز برای افزایش قدرت خود وارد منطقه شده است. این تغییر وضعیت کلی، به تغییر وضعیت رقابت ایران و عربستان نیز منجر خواهد شد.

رویکرد آمریکا به رقابت ایران و عربستان

اهمیت استراتژیک خاورمیانه برای آمریکا کاهشی مشهود داشته است. به طور کلی، مهم‌ترین اهمیت خاورمیانه برای آمریکا به جنبه انرژی مربوط می‌شود. تا زمانی که امنیت انرژی در منطقه خاورمیانه تأمین

1. Fayet

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

مانده است، آمریکا ترجیح می دهد در خاورمیانه دخالت مستقیم نکند. در دوره دوقطبی، دیگر اروپای غربی یا خاورمیانه مهم‌ترین مناطق دنیا برای آمریکا نیستند، بلکه آمریکا مهم‌ترین منافع ژئواستراتژیک خود را در منطقه هند-آرام می‌بیند. اتحاد چهارگانه آمریکا با سه کشور هند، ژاپن، و استرالیا از نگاه دولت بایدن مهم‌ترین اتحاد سیاست خارجی آمریکا در دوران فعلی است که هدف اصلی آن جلوگیری از ظهور چین در مقام یک ابرقدرت است.تقویت اتحاد چهارگانه از اولین و مهم‌ترین اولویت‌های آمریکا خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که این سه کشور مهم‌ترین و کلیدی‌ترین متحدین آمریکا خواهند بود. هدف اصلی و استراتژیک این اتحاد این است که منطقه هند-آرام از نفوذ چین کاملاً آزاد باشد.

به همین دلیل، رویکرد آمریکا نسبت به مناطق مختلف تغییر خواهد کرد. بریتانیا احتمالاً جایگاه ویژه خود برای آمریکا را حفظ خواهد کرد و رابطه‌اش با آمریکا آسیبی نخواهد دید. همچنین ممکن است که اسرائیل، کانادا، و نیوزلند نیز میزان فعلی اتحاد خود با آمریکا حفظ کنند. اسرائیل و کشورهای آنگلوساکسون به‌دلیل پیوندهای بسیار عمیق فرهنگی و همچنین همکاری‌های بسیار مفصل نظامی و امنیتی برای آمریکا بسیار مهم باقی خواهند ماند. همچنین احتمالاً میزان اهمیتی که آمریکا به کشورهای قاره‌های مرکزی و جنوبی آمریکا می‌دهد کاسته نشود، چون این کشورها حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که کشورهای غیرانگلیسی‌زبان اروپا ازجمله آلمان، فرانسه، ایتالیا، و دیگران و همچنین متحدین خاورمیانه‌ای عرب آمریکا بیش از همه جهان در این تحول آسیب خواهند دید.

مسئله ثبات بازار انرژی همچنان اولویت اصلی برای آمریکا خواهد بود. لازمه این امر البته وجود ثبات در منطقه به طور کلی (ثبات سیاسی، ثبات امنیتی) است. بنابراین آمریکا نیاز دارد که اطمینان حاصل کند خاورمیانه باثبات باقی خواهد ماند. فراتر از این تضمین ثبات، آمریکا ترجیح می‌دهد حضور خود در خاورمیانه را به حداقل برساند و در مسائل کشورهای خاورمیانه‌ای دخالت مستقیم نکند چون این امر می‌تواند بسیار هزینه‌زا باشد و منابع آمریکا را از هند-آرام دور سازد.

اما این ثبات چگونه تأمین می‌شود؟ می‌توان گفت که دو مسیر برای آمریکا موجود است. مسیر اول - که حزب دموکرات بیشتر بدان گرایش دارد - موازنه قوا در منطقه است. در این نگاه، این امر مطلوب نیست که ایران یا عربستان سعودی یا هر دولت دیگری توفق کامل داشته باشند و به هژمون منطقه‌ای تبدیل شوند، بنابراین آمریکا روابط منطقه‌ای را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که هیچ دولتی برتری مشهود نداشته باشد. به همین دلیل اگرچه حزب دموکرات نگاهی مثبت به جمهوری اسلامی ایران ندارد ولی اموری مانند تغییر

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

حکومت یا تجزیه ایران را نیز مطلوب نمی‌داند. به همین دلیل به دیپلماسی با ایران روی آورده و ترجیح می‌دهد اختلافات را حل کرده و ایران را به سوی تغییر رفتار سوق دهد. البته حزب دموکرات نیز ترجیح می‌دهد ایران همچنان ضعیف‌تر از عربستان سعودی باقی بماند ولی این قدرت تاحدی باشد که بتواند در نقش بازدارنده دربرابر عربستان نیز عمل کند.

اما حزب جمهوری‌خواه برخلاف حزب دموکرات کاملاً به «برون‌سپاری امنیتی» به متحدین در امر ثبات معتقد است و بنابراین تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد عربستان سعودی و اسرائیل خواهد گذاشت. این حزب یا به دنبال تغییر حکومت است یا به دنبال تضعیف ایران تاحدی که برتری عربستان سعودی تضمین شود. به همین دلیل در جمع‌بندی می‌توان گفت که هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه قصد دارند حضور و صرف هزینه آمریکا در منطقه خاورمیانه را کاهش دهند و برای این هدف قصد دارند از دور ثبات خاورمیانه را تضمین کنند اما روش این دو برای این هدف واحد متفاوت است: دموکرات‌ها قصد دارند مطمئن شوند هیچ دولتی به هژمون تبدیل نخواهد شد ولی جمهوری‌خواهان تقویت عربستان سعودی و اسرائیل را هدف خود می‌دانند.

با همین مسئله می‌توان گفت که رویکرد آمریکا نیز به رقابت ایران و عربستان در سایه این دو روش متفاوت تعریف می‌شود. درحالی که دموکرات‌ها عربستان سعودی را از نظر سلاح و اطلاعات و فناوری تأمین می‌کنند و همزمان قصد دارند با تغییر رفتار ایران به کمپین فشار حداکثری نیز پایان داده و بنابراین مطمئن شوند ایران میزانی از قدرت را نیز حفظ می‌کند و از این طریق دو قدرت را موازنه کنند، جمهوری‌خواهان ترجیح می‌دهند با ادامه فشار حداکثری به نقطه‌ای برسند که برتری مشهود قدرت با عربستان سعودی باشد. به زبان دیگر دموکرات‌ها ترجیح می‌دهند رقابت ایران و عربستان برنده روشنی نداشته باشد ولی جمهوری‌خواهان پیروزی عربستان را مطلوب می‌دانند.

رویکرد چین به رقابت ایران و عربستان سعودی

اگر استراتژی کلان آمریکا جلوگیری از تبدیل شدن چین به هژمون منطقه هند-آرام باشد، استراتژی کلان چین گسترده کردن شبکه نفوذ این قدرت ازطریق نفوذ اقتصادی در همه مناطق جهان است. این شبکه نفوذ شامل آسیا، اروپا، آفریقا، و آمریکا نیز می‌شود. اگر آمریکا به‌دنبال تعمیق و گسترش و به حداکثر رساندن حضور نظامی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی خود در منطقه هند-آرام است و بنابراین ترجیح می‌دهد حضور خود در دیگر مناطق را در حداقل ممکن حفظ کند چین به‌دنبال این است که بیشترین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

تعداد کشورها و مناطق را به خود وابسته کند به این امید که بازدارندگی ایجاد کرده و بازدارندگی متقابل در قبال ممکن نباشد که همان افزایش قدرت است.

در حوزه امنیتی، اولویت‌های چین با آمریکا در منطقه خاورمیانه تفاوت معناداری ندارند. هر دو ابرقدرت ترجیح می‌دهند هزینه ایجاد ثبات ازطریق حضور مستقیم نظامی را نپذیرند و همزمان اطمینان حاصل کنند که ثبات خاورمیانه بخصوص در حوزه انرژی تأمین می‌شود. چین نیز مانند آمریکا بیش از هرچیز نیاز دارد که بازار انرژی با اخلال مواجه نشود. رقابت آمریکا و چین در سطوح فناوری و اقتصادی رخ خواهد داد. جای تعجب نیست که چین به‌دنبال پیدا کردن بازارها، سرمایه‌گذاری گسترده، و ایجاد نفوذ برای خود ازطریق اقتصادی و کنترل فناوری‌های مورد استفاده است. قابل پیش‌بینی است که آمریکا در این حوزه‌ها با چین وارد رقابت شود. البته اقتصاد و فناوری نیز منبع قدرت هستند و در قرن بیست و یکم احتمالاً نقش حتی پررنگ‌تری در قدرت کشورها بازی خواهند کرد. اما باید در نظر داشت که چین و آمریکا در عین رقابت، منافع مشترکی نیز در منطقه خاورمیانه دارند و به‌همین دلیل نباید در صورت برخی همکاری‌ها در آینده نیز تعجب زیادی کرد.

چین ترجیح می‌دهد که روابطی حسنه هم با ایران و هم با عربستان سعودی داشته باشد. هر دو دولت برای چین تأمین‌کننده انرژی و کریدور مهم انرژی هستند. همچنین هر دو کشور شرکای بزرگ تجاری و مشتری فناوری و مقصد سرمایه‌گذاری هستند. اتحاد سیاسی-امنیتی عربستان سعودی با آمریکا باعث نشده است و نخواهد شد که چین این کشور را متحد و شریک خود نداند و اولویتی بسیار زیاد برای ایجاد رابطه مطلوب با آن قائل نباشد. همزمان اما اختلاف ایران و آمریکا ممکن است رابطه ایران و چین را نیز تاحدی با مشکل روبرو کند. چین (برخلاف روسیه که ادامه اختلاف را تأمین‌کننده منافع خود می‌داند) ترجیح می‌دهد مسائلی مانند برجام و پیوستن به کنوانسیون‌های چهارگانه اف ای تی اف[1] حل و فصل شوند چون تسهیل‌کننده روابط تجاری خواهند بود و چین سود بیشتری خواهد برد تا صرفاً به ایران در دور زدن تحریم‌ها کمک کند. به طور کلی، چین ترجیح می‌دهد وضعیت خاورمیانه نه‌تنها باثبات، بلکه تا حد ممکن «عادی» باشد.

در سایه همین امر، چین اصولاً رقابت بین ایران و عربستان سعودی را مطلوب نمی‌داند و ترجیح می‌دهد این دو دولت با یکدیگر به روابط مطلوب دست پیدا کنند. روابط مطلوب بین دو کشور هم به تأمین انرژی چین و هم به جریان افتادن بی-مانع تجارت و سرمایه و پروژه‌های بزرگ چینی در خاورمیانه

1. FATF

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

کمک خواهد کرد. خشم ایران از ملاقات شی جین‌پینگ با محمد بن سلمان نشانه‌ای از این امر است: تا زمانی که ایران و عربستان اختلاف‌هایی داشته باشند تلاش چین برای بهبود رابطه با یکی، دیگری را خواهد رنجاند و این مانعی برسر پروژه بزرگ چین است.

بنابراین چین دربرابر اختلاف ایران و عربستان دو رویکرد اتخاذ خواهد کرد: رویکرد اول نادیده گرفتن این رقابت و تلاش برای بهبود روابط دوجانبه با هر دو طرف است که تاکنون همین امر محقق شده است و با هر دو کشور چین رابطه سیاسی و اقتصادی مفصلی دارد. دومین رویکرد تلاش برای میانجی‌گری و حل اختلاف است که البته تاکنون در عمل دیده نشده ولی تصور آن در آینده ممکن است.

رویکرد عربستان سعودی

در حال حاضر، عربستان سعودی در تأمین امنیت خود و در سیاست‌های نظامی خود به ایالات متحده آمریکا وابستگی تقریباً مطلق دارد. اما این امر بدان معنی نیست که عربستان سعودی آماده است که در جبهه آمریکا قرار گیرد و به دشمن چین تبدیل شود. عربستان سعودی در سال‌های اخیر، پس از تغییر رویکرد آمریکا به منطقه خاورمیانه، و سردتر شدن تدریجی روابط عربستان با روسای جمهور دموکرات مانند اوباما و بایدن، از آینده رابطه خود با آمریکا نگران شده است. اگرچه بایدن تاکنون تغییری اساسی در رابطه با این کشور ایجاد نکرده است، ازنظر مقام‌های عربستان سعودی نمی‌توان این احتمال را کاملاً منتفی دانست. همچنین اگرچه جمهوری‌خواهان به دنبال اتحاد مطلق با عربستان سعودی هستند، اما نمی‌توان اولاً تغییر موضع این حزب در آینده را منتفی دانست و ثانیاً چرخش قدرت در آمریکا بدین معنی است که نمی‌توان سیاست درازمدت را با توجه به یک حزب تنظیم کرد. به همین دلیل عربستان سعودی از اکنون سیاست تنوع‌سازی تأمین امنیت خود را پیش گرفته است، سیاستی که از مسیرهای مختلفی اجرایی می‌شود.

یکی از جنبه‌های این سیاست تنوع‌سازی، برقراری توازن بین آمریکا و چین است. عربستان سعودی همواره با چین رابطه‌ای نزدیک داشته است و درواقع چین شریک اصلی تجاری عربستان سعودی بوده است. درواقع سیاست عربستان سعودی این بوده که نزدیک‌ترین روابط سیاسی و نظامی-امنیتی را با آمریکا داشته باشد و نزدیک‌ترین روابط اقتصادی و تجاری را با چین و در رقابت بین این دو قدرت از انتخاب یک جناح خودداری کند. اما همزمان با افزایش عدم اعتماد و اتکا به آمریکا، عربستان سعودی به این نتیجه رسیده است که رابطه نظامی و امنیتی خود را با چین افزایش دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

در توافق‌های امضاشده در دیدار اخیر شی، عربستان سعودی شروع به خرید تجهیزات و فناوری نظامی از چین کرده است و همچنین وعده همکاری نظامی و اطلاعاتی نیز بین دو کشور رد و بدل شده است. تاکنون دو کشور در زمینه تولید پهباد و موشک قراردادهایی امضا کرده‌اند. بنابراین سفر شی به عربستان سعودی نشانه جدی این امر است که عربستان سعودی برای تأمین منافع امنیتی خود قصد ندارد در جنگ سرد دوم یکی از طرفین را انتخاب کند بلکه قصد دارد به موازنه دو قدرت بپردازد و با هر دو رابطه گرم را حفظ کرده و منافع خود را تأمین نماید.

فرصت‌ها برای بهبود روابط ایران و عربستان سعودی

آرایش جدید نظام بین‌الملل و رویکرد دو ابرقدرت به خاورمیانه برای بهبود روابط ایران و عربستان حاوی فرصت‌هایی است. دشمنی عربستان سعودی با ایران وابسته به روابط حسنه این کشور با آمریکا نیست و مدلول عوامل بسیاری است اما درعین حال شکی نیست که تا زمانی که عربستان سعودی از حمایت مطلق آمریکا از خود مطمئن باشد، انگیزه زیادی برای حل اختلافات نیز ندارد و سرد شدن نسبی رابطه آن با آمریکا برای این کشور منفعت ایجاد خواهد کرد که برای گفتگوی واقعی با ایران اقدام کند. بنابراین صرفِ سیاست کلان عربستان سعودی برای ایجاد توازن در رابطه با آمریکا و چین می‌تواند برای بهبود روابط حاوی فرصت باشد. در نظم جدید، نه آمریکا و نه چین انگیزه‌ای ندارند که برای حفاظت از عربستان سعودی وارد جنگ با ایران شوند، و بنابراین درحال حاضر اتکای عربستان سعودی بر سیاست فشار حداکثری است که عربستان سعودی امیدوار است به تضعیف غیرقابل‌جبران ایران و برتری مطلق عربستان سعودی در منطقه منجر شود. اما اگر فشار حداکثری بر ایران خاتمه پیدا کند، عربستان سعودی مجبور خواهد شد که برای بهبود روابط با ایران گام بردارد. همچنین کاهش وابستگی مطلق عربستان در حوزه امنیتی به آمریکا منجر خواهد شد که نگرانی آن از حوزه ایران را نیز کاهش می‌دهد چون دیگر در صورت تنش‌زدایی بین آمریکا و ایران خطر تنها ماندن درمقابل ایرانی قدرتمند عربستان را تهدید نخواهد کرد.

در این بین باید به نقش میانجی‌گری چین نیز در منطقه دقت کرد. نقشی که چین تاکنون بازی نکرده است اما قابل تصور است که ایران در صورت تمایل به بهبود روابط با عربستان سعودی، بتواند چنین نقشی را به چین پیشنهاد کند که احتمالاً مورد استقبال گرم چین نیز واقع خواهد شد. همان‌طور که پیشتر ذکر شد ادامه رقابت عربستان سعودی و ایران به سود منافع چین نیست و همچنین اقدام این دولت برای

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

میانجی‌گری به بهبود وجهه چین و قدرت نرم آن نیز منجر خواهد شد و با تبلیغات آمریکا علیه چین به‌عنوان یک قدرت غیرمسئول و جنگ‌طلب مقابله خواهد کرد و نام چین را با دیپلماسی و صلح گره خواهد زد. در این سناریو انتظار نمی‌رود که آمریکا (حداقل در دوره بایدن) خلل عمده‌ای در این مسیر ایجاد کند چون این مسئله به توازن بین ایران و عربستان سعودی کمک خواهد کرد: انتظار نمی‌رود که چین در صورت ورود به فرآیند میانجی‌گری به‌دنبال ایجاد برتری به سود یکی از این دو دولت باشد.

در صورتی که ایران مشکلات مرتبط با تحریم‌ها و فهرست سیاه اف ای تی اف را حل کند، می‌توان متصور شد که چین، ایران، و عربستان سعودی وارد یک توافق تجاری سه‌طرفه شوند که در آن ایران و عربستان سعودی تأمین انرژی و امنیت انرژی و خودداری از افزایش قیمت نفت برای چین (یا تضمین تخفیف‌ها) برای چین را تضمین کنند و چین نیز سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه صنعتی و فناوری و صدور فناوری‌های فوق‌پیشرفته همچنین پیوند زدن بازارهای سه کشور نیز ممکن شود. این توافق تجاری سه‌طرفه می‌تواند گام اولی برای بهبود روابط عربستان سعودی و ایران در حوزه‌های سیاسی و امنیتی در عین ادامه رقابت در آن حوزه‌ها نیز باشد.

تهدیدهای نظم جدید برای ایران

اما این نظم جدید برای ایران صرفاً حاوی فرصت نیست و ممکن است حاوی تهدیدهایی جدی نیز باشد. اولین تهدید یک روی دیگر سکه تنوع‌سازی است. اگرچه این تنوع‌سازی ممکن است درک تهدید عربستان سعودی از ایران قدرتمند را کاهش داده و موضع آن را نرم کند، ولی از طرف دیگر ممکن است اهرم فشار آمریکا بر عربستان سعودی را هم تاحدی تضعیف کند که امکان وتوی اقدام نظامی عربستان سعودی علیه ایران را سلب کند. آمریکا به‌دنبال درگیری نظامی با ایران نیست و با توجه به اهمیت ثبات خاورمیانه و ثبات بازار انرژی، به عربستان سعودی نیز اجازه حمله به ایران را نداده است، بخصوص با توجه به این مسئله که در شرایط فعلی، جنگ مستقیم بین ایران و عربستان سعودی به معنای عملاً جنگ بین ایران و آمریکا است.

مسئله مهم این است که عربستان سعودی در همه سال‌های اخیر به دنبال تشویق روسای جمهور آمریکا ازجمله اوباما و ترامپ برای حمله نظامی به ایران بوده است. اسنادی از مذاکرات مقام‌های سعودی با دولت بایدن در دست نیست ولی دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم که این مسئله تفاوتی کرده است. البته عربستان سعودی وادار شده که به آمریکا درخواست بدهد چون خود آن‌قدر قدرت یا استقلال نظامی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

ندارد که اقدامی کند. به همین دلیل به جنگ نیابتی راضی شده است که در حوزه توانش است. اما اکنون عربستان قصد ندارد آمریکا را با چین جایگزین کند بلکه قصد دارد با افزایش خودکفایی و تنوع‌سازی در روابط نظامی به مرحله‌ای برسد که دیگر به هیچ کشوری در این زمینه وابسته نباشد. در این زمینه تنها کافی است تصور شود که پس از واقعه آرامکو، دلیل عدم مقابله به مثل عربستان سعودی این بود که آمریکا به آن اجازه چنین اقدامی نداد و البته خود آمریکا نیز اقدامی نکرد. اما اگر عربستان سعودی نیازی به اجازه آمریکا نداشته باشد، ممکن بود حمله مشابهی در خاک ایران انجام دهد.

دومین تهدید مهم در این زمینه این است که در هر صورت عربستان سعودی می‌تواند گزینه جایگزینی برای چین برای ادامه نفوذ اقتصادی آن در خاورمیانه نیز باشد. عربستان سعودی قادر است انرژی چین را تأمین کند و همچنین بازار خوبی برای آن باشد بخصوص اگر درنظر بگیریم که باید دیگر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را نیز در این میان منظور کرد که در هر دو زمینه همکاری خواهند کرد. چین البته تا زمانی که معامله با ایران به سودش باشد به این امر ادامه خواهد داد ولی اگر به هر دلیلی و در هر سناریویی هزینه رابطه با ایران بیشتر از فایده آن شود، حضور عربستان سعودی و رویکرد چین به منطقه باعث خواهد شد که وابستگی به ایران نداشته باشد و حتی اگر این قطع یا کاهش جدی رابطه بدون درد و هزینه هم نباشد، غیرممکن نیز نخواهد بود. بنابراین ایران نباید حمایت چین از خود را امری ابدی و غیرقابل‌تغییر بداند. از طرف دیگر ادامه اختلاف ایران با دیگر قدرت‌ها ممکن است در این روند ایران را بیش از حد به چین وابسته کند و موقعیتی ایجاد کند که ایران قادر نباشد از منافع خود دربرابر چین دفاع کند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

نتیجه گیری

در طول سال های پس از انقلاب اسلامی ایران، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، دو راهبرد امنیت ساز متفاوت را در پیش گرفته اند. در یک سو، ریاض امنیت خود را به آمریکا برون سپاری کرده و در سوی دیگر، ایران از طریق شکل دادن به یک محور مقاومت منطقه ای و تقویت توان دفاعی بومی خود، امنیت خود را تأمین کرده است. کاهش اهمیت منطقه برای ایالات متّحده امّا و به تبع آن، کاهش حضور این کشور در منطقه و مهیّا شدن فضا برای نقش آفرینی دیگر قدرت ها از جمله، چین و روسیه، درک از تهدید ایران و عربستان از یکدیگر را تا حدّی تعدیل کرده است[1] . در چنین فضایی، عامل تمایل همزمان ایالات متّحده آمریکا، چین و دیگر قدرت های فرامنطقه ای فعال در منطقه به ایجاد توازن میان تهران و ریاض و همزمان، عامل تمایل دو طرف به مدیریت تهدید دیگری، در عین پرهیز از نپذیرفتن نقش مسلّط یکدیگر، دو عاملی هستند که منجر به افزایش خوش بینی ها در رابطه با شکل گیری رقابت کنترل شده میان ایران و عربستان شده اند. در حقیقت، به نظر می رسد که ایران و عربستان از الگوی موازنه تهدید دیگری به سمت الگوی موازنه قدرت یکدیگر در منطقه حرکت می کنند، الگویی که در آن یکی، نقش بازدارنده را در مقابل دیگری ایفا می کند و الگویی که مورد حمایت قدرت های فرا منطقه ای نیز هست.

۱. احساس تهدید از ناحیه یکدیگر را تخفیف داده است، هر چند رژیم صهیونیستی همه توان خود را در جهت تداوم فضای خصومت میان ایران و عربستان به کار گرفته است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

کتابنامه

اداره تجارت بین الملل:

https://www.trade.gov/country-commercial-guides/saudi-arabia-defense-security

ایندیک، مارتیک:

https://www.wsj.com/articles/the-middle-east-isnt-worth-it-anymore-11579277317

سیکالی، سوسن:

https://agsiw.org/military-relations-and-the-u-s-saudi-alliance

سوییني، مایک:

https://www.defensepriorities.org/explainers/a-plan-for-us-withdrawal-from-the-middle-east

سینگ، مایکل:

https://www.foreignaffairs.com/middle-east/middle-east-multipolar-era

شورای اروپایی روابط خارجی:

https://www.cfr.org/backgrounder/us-saudi-arabia-relations

شناهان، روجر:

https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/gulf-s-diversification-dilemma

میلر، آرون:

https://foreignpolicy.com/2022/12/07/xi-jinping-saudi-arabia-trip-mbs-biden/

وزارت خارجه ایالات متّحده:

https://www.state.gov/u-s-relations-with-saudi-arabia/

واتانکا، آلکس:

https://www.mei.edu/publications/irans-regional-agenda-and-call-detente-gulf-states

هادیان، ناصر:

http://irdiplomacy.ir/fa/news/1970360

https://www.al-monitor.com/originals/2022/04/iraq-helps-broker-iran-saudi-negotiations

https://www.cnbc.com/2022/07/16/biden-says-us-will-not-walk-away-from-middle-east.html

https://www.tehrantimes.com/news/479339/Iraq-to-continue-mediation-between-Iran-Saudi-Arabia-MP

https://gulfif.org/what-the-west-can-expect-of-iranian-foreign-policy-in-2022/

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]

https://www.ifri.org/en/espace-media/lifri-medias/frances-strategic-thinking-middle-east-standstill

https://www.institutmontaigne.org/en/publications/new-strategy-france-new-arab-world

Golmohammadi, Vali (2019), "The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Prospects for Change and Continuity" Vol.8: 93-102.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۶

غریبی، حسین؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ نقیب زاده، احمد؛ برزگر، کیهان (۱۴۰۱)، «پیامدهای خلأ حضور ایالات متّحده آمریکا در غرب آسیا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی: الگوی همکاری سازنده یا رقابت مخرب» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۵۵-۱۳۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.3.6.5]